



# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

بررسی رابطه سبک های دلبستگی با ملاک های همسرگزینی دانشجویان

عشرت شالوند : کارشناسی ارشد مشاوره خانواده  
حسین سلیمی بجستانی: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی  
حسن اسدزاده: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی  
کریم افشاری نیا : استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد کرمانشاه.

## مقدمه

ازدواج، اولین و مهمترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. تقریباً هر انسانی در طول زندگی خود حداقل یک بار ازدواج می کند (حسینی، ۱۳۸۴). نقش بسیار پررنگی که مساله ازدواج در تمامی ابعاد زندگی انسان ایفا می کند، ذهن را به سمت تفکر هر چه بیشتر در مورد چگونگی انتخاب و تصمیم گیری سوق می دهد. اما مسئله ای که آدمی در هر صورت با آن مواجه می شود، مسئله انتخاب و گزینش همسر است و این که افراد، بر چه مبنا و با توجه به چه ملاکهایی همسر بالقوه خود را برمی گزینند و چگونه عوامل محیطی، بیولوژیکی و روانشناختی این گزینش را تحت تاثیر قرار می دهد. اگر چه ترجیحات و اولویت ها برای انتخاب همسر، مورد توجه بسیاری از رشته های علمی از قبیل زیست شناسی تکاملی و جامعه شناسی است، اما باس (۱۹۹۰) بیان می کند که همسرگزینی، اساساً پدیده ای روانشناختی است و در روانشناسی، این پدیده را از جوانب مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار داده اند. این سوال که انسان چگونه همسر بالقوه خود را انتخاب می کند، به شیوه های متفاوتی پاسخ داده شده است و رویکردهایی بر اساس آنها به وجود آمده اند. در دهه های گذشته رویکردهای متفاوتی در ارتباط با همسرگزینی شکل گرفته است که از جمله آنها می توان از نظریه های همسان همسری و ناهمسان همسری، رویکردهای نیازهای مکمل، نظریه تبادل و مانند آن، نام برد. هر یک از این رویکردها، فرآیند چگونگی انتخاب زوج توسط افراد متفاوت را از دیدگاه های متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. همچنین هر دیدگاه، معیارهایی را که هر فرد در مواقع انتخاب همسر مدنظر قرار می دهد را نیز بررسی می کند. اولویت ها و معیارهای همسرگزینی، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگی هایی هستند که از یک معشوقه خیالی یا همسر بالقوه، مطالبه می شوند و تعداد زیادی از این ادراکات، به صورت واضحی با هیجانات در ارتباط هستند، از قبیل اولویت هایی برای جذابیت دو طرفه، دوست داشتن، پایداری هیجانی - بلوغ و تمایلات خوش آیند. در حقیقت اولویت های همسرگزینی در حد فاصل شناخت و هیجان قرار دارند (باس، ۲۰۰۴).

ملاکهای فرآیندی و محتوایی همسرگزینی، اولویت های انتخاب همسر را به دو دسته مجزا تقسیم می کند. این تقسیم بندی در حقیقت برگرفته از مدل فرآیند - محتوای خانواده (سامانی، ۲۰۰۵) است. از آنجایی که ملاکهای محتوایی همسرگزینی، شامل خصوصیتی است که فرد به همراه دارد، مانند ویژگیهای روانشناختی فردی و خانوادگی (سن، تحصیلات، شغل و درآمد)، سلامت جسمانی، قومیت و مذهب. و ملاکهای فرآیندی، مجموعه کنش هایی هستند که موجب سازمان دهی نظام خانواده می شوند. کنش هایی از قبیل درک دیدگاه طرف مقابل، مهارتهای ارتباطی، مهارتهای حل مسئله، انعطاف پذیری، قاطعیت. به نظر می رسد که در جریان ازدواج، نشانه های محتوایی به عنوان عامل آغازگر زندگی زناشویی و نشانه های فرآیندی به عنوان نگهدارنده و محافظت کننده های زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد. منطقی است که بین باور به ملاک های فرآیندی و سلامت روانی فرد رابطه مستقیم و مثبتی وجود داشته باشد (رفاهی، ۱۳۸۷). یکی از نیازهای اساسی انسان نیاز به داشتن همسر و شریک زندگی است. همسرگزینی و تشکیل خانواده یکی از مهمترین رویدادهای زندگی هر فرد است که تا پایان عمر بر جریان حیات و سعادت وی اثر می گذارد. ازدواج موفق مستلزم گزینش همسر مناسب است که سازگاری و رضایتمندی زناشویی را به همراه می آورد. و این سازگاری می تواند به طور کامل بر کیفیت زندگی تاثیر بگذارد - (ملازاده، ۱۳۸۱). بدین منظور وجود مجموعه ای از آگاهی ها و اطلاعات در جهت ارتقای کیفیت ازدواج الزامی می باشد. ازدواج هایی موفق هستند که در آنها ملاکهای انتخاب به درستی رعایت شده باشند و طرفین از ملاکهای خود آگاهی و تعریف روشنی داشته باشند (رفاهی، ۱۳۸۷). اما قبل از آنکه فرد بخواهد به شناخت صحیح طرف مقابل خود دست یابد و معیارهای مناسب را برگزیند، باید شناخت تقریباً کاملی از خود داشته باشد.



# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

با توجه به آمار مختلف کشورهای مختلف، ۵۲ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶) که متأسفانه این واقعه غم‌انگیز رو به افزایش است و پیامدهای ناشی از آن، این نکته را هشدار می‌دهد که ازدواج‌ها باید با بصیرت، شناسایی و آگاهی عمیق‌تری از ویژگی‌های اخلاقی و روانی طرفین صورت بگیرد (مرادی پور، ۱۳۸۶). هر فردی که می‌خواهد مرحله رشد و تکامل تشکیل خانواده را آغاز کند، باید معیارهای روشن، منطقی و واقع‌بینانه‌ای راجع به همسر مورد نظر خود داشته باشد تا بتواند بر اساس آنها، از میان گزینه‌های مختلف یکی را برگزیند. شکل‌گیری این معیارها امری نیست که به طور ناگهانی در فرد به وجود بیاید بلکه همه آنها نتیجه رشد یک سلسله فرآیندهای شناختی، عقلانی، اجتماعی و روانی در فرد است (فرحبخش، عابدی، ۱۳۸۰). اگرچه انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح و همچنین برگزیدن معیارهای مناسب، یکی از عوامل اصلی موفقیت در ازدواج محسوب می‌شود، اما از دیگر عواملی که از اهمیت ویژه‌ای در این مقوله برخوردار است، شناخت خصایص و بخش‌های پنهان وجود خویش و چگونگی تاثیر آن بر همسرگزینی می‌باشد. یکی از مهمترین این بخش‌ها که افراد باید چگونگی تجلی آنها را در خود شناسایی کند، سبک‌های دلبستگی است.

از آنجا که قبل از ازدواج، قدرت و اختیار در تصمیم‌گیری بیشتر است و می‌توان در آن زمان از تشکیل ساختارهای مشکل‌زا دوری کرد (صادقی، ۱۳۸۴)، توجه به شناخت چگونگی سبک‌های دلبستگی در افراد و تاثیر آنها بر انتخاب ملاک‌های مناسب همسرگزینی با اهمیت و ضروری به نظر می‌رسد.

بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) ابراز داشت که نوزادان، تجربیات خود با مراقبان را برای ایجاد نموده‌های دلبستگی درونی یا الگوهای فعال‌سازی درونی درباره‌ی خودشان و دیگران در روابط بیرون می‌کشند و این نموده‌های دلبستگی در پی آن، انتظارات در مورد روابط و آینده را شکل می‌دهند (ویردن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

سه سبک دلبستگی عمده وجود دارد: دلبستگی ایمن<sup>۳</sup>، دلبستگی نایمن-اجتنابی<sup>۴</sup> و دلبستگی نایمن اضطرابی/دوسوگرا<sup>۵</sup>. کودک دارای سبک دلبستگی ایمن‌گرایش دارد که دیگران را به عنوان قابل‌اتکاء و خودش را به عنوان کسی که ارزش دوست داشتن و مراقبت را دارد، ببیند (ویدرمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۳۹۰). بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رومان‌تیک‌شان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند، آنها قادرند که به آسانی به دیگران نزدیک شوند و به حمایت از شریک زندگی‌شان تمایل دارند. پژوهش‌هازان و شیور<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) نشان داد که حدود ۵۶٪ از بزرگسالان در طبقه‌ی دلبستگی ایمن قرار می‌گیرند (کارداکتاز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹).

دلبستگی اجتنابی با الگوهای فعال‌سازی دیگران در روابط مرتبط است و افراد دارای این سبک، آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیاز به روابط نزدیک ندارند و تمایل به ترس از صمیمیت دارند (ویدرمن، ۱۹۹۶؛ رفیعی و همکاران، ۱۳۹۰). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فراز و فرودهای هیجانی بی‌مناک باشند، اعتماد کردن به دیگران را مشکل می‌یابند و از زیادی نزدیک شدن به دیگران نگرانند. بزرگسالان اجتنابی حدود ۵٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند (هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۳۹۰).

دلبستگی اضطرابی با الگوی فعال‌سازی خود در روابط مرتبط است، یعنی این افراد گرایش دارند که الگوی ضعیفی از خودشان در روابط داشته باشند، این افراد نگرانند که دوست داشته نشوند یا ترک گردند و در جستجوی اطمینان آفرینی مجدد و تجربه‌ی عاطفی منفی هستند (ویدرمن، ۱۹۹۶؛ به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۳۹۰). بزرگسالان با سبک اضطرابی/دوسوگرا عشق را به صورت یک وسواس توصیف می‌کنند و گرایش دارند تا روابط رومان‌تیک‌ی را تجربه کنند که به وسیله فراز و فرودهای هیجانی، حسادت بیش از حد و تمایل قوی برای پیوند هیجانی، مشخص گردد (هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ به نقل از رفیعی و همکاران، ۱۳۹۰). بزرگسالان اضطرابی/دوسوگرا خواهان صمیمیت هستند و بیش از هر چیزی از طرد می‌ترسند (پیترو، ماناکو، بارت، ۲۰۰۰).

1 -Bowlby.J

2 -Wearden.A

3 -Secure

4 -Avoidant

5 -Ambivalent

6 -Weiderman.A

7 -Hazen.C&Schewer.P

8 -Kardaktaz.K

9 -Pietro & Monaco & Barrett







# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

پیش بینی می شود که شناسایی نوع سبکهای دلبستگی در جوانان و بررسی تاثیر احتمالی که بر انتخاب معیارهای درست همسرگزینی در آنان خواهند داشت، ضرورتی است که می تواند نتایج مفیدی برای جوانان، خانواده ها و کارشناسان امر مشاوره در بر داشته باشد و بدین وسیله درصد ازدواج های معقولانه و با بینش را بالاتر برده و رضایت زناشویی و به تبع آن رضایت از زندگی را افزایش دهند. با این توصیف، ضروری به نظر می رسد که ملاکهای همسرگزینی در جوانان و ارتباط آن با سبکهای دلبستگی آنان مورد بررسی قرار گیرد. در طول دو دهه اخیر، پژوهش های بسیاری در ارتباط با معیارهای همسرگزینی انجام گرفته است. نتایج پژوهشی که توسط **فین گلد (۱۹۹۰)** بر روی دانشجویان آمریکایی انجام شد زیبایی و جذابیت فیزیکی همسران را جزء ضروری ترین ملاک های انتخاب همسر ایده آل برای پسران برشمرده است. در رابطه با معیارهای روانشناختی ازدواج نیز در پژوهشی که توسط **هالیهان و همکارانش (۱۹۹۰)** در آمریکا صورت گرفت، آنها به این نتیجه رسیدند که توانایی تصمیم گیری در زوج های راضی و خوشبخت به هنگام مواجه با مشکلات زندگی در مقایسه با زوج های ناراضی، از کیفیت بالاتری برخوردار است.

**گیوریس و همکارانش (۲۰۱۰)** در پژوهشی به بررسی تاثیر تجارب دوران کودکی بر روی انتخاب همسر بر اساس صفات شخصیتی و نقش پذیری جنسی پرداختند. در این پژوهش ۴۹ زوج و والدینشان پرسشنامه پنج عاملی شخصیت و آزمون دلبستگی ناظر به گذشته را پاسخ دادند. همبستگی معناداری بین همسر و مادر مردان در ویژگی وظیفه شناسی وجود داشته است. در این پژوهش نتایج متناقضی نیز وجود داشته است و ارتباطهای معناداری در والدین همجنس و ارتباطی معکوس بین کیفیت دلبستگی والدین - کودک و درجه شباهت بین والدین کودک و همسر یافت شده که عقیده کردارشناسی از نقش پذیری جنسی را تکذیب می کند. همچنین در این پژوهش بر ساختار شخصیتی والدین به عنوان الگویی در انتخاب همسر تاکید شده است. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می دهد که تجارب دوران کودکی نقش مهمی را در شکل گیری ترجیحات همسرگزینی بازی می کند و الگوهای والدینی ممکن است زوجین را در زمینه صفات شخصیتی طرف مقابل هدایت کند. همچنین **ابوالقاسمی (۱۳۷۹)** در یک پژوهش علی مقایسه ای در ارتباط با همسرگزینی، نقش تفاوت های جنسیتی و شخصیتی را در ملاکهای انتخاب همسر دانشجویان مورد پژوهش قرار داد. وجود ارتباط میان ملاکهای همسرگزینی و ویژگی های شخصیتی، از یافته های این پژوهش محسوب می شود. همچنین نتایج نشان دهنده این است که در انتخاب همسر عوامل اجتماعی عاطفی، شناختی، فرهنگی، جنسی و اقتصادی به ترتیب با اهمیت می باشند و بین ملاکهای همسرگزینی زنان و مردان تفاوت وجود دارد. زنان به وفاداری، اخلاق خوب، احساس مسئولیت، شخصیت و توانایی های مردان اهمیت داده و مردان بیشتر به سن، زیبایی صداقت و باروری اهمیت می دهند. در پژوهشی دیگر که از نوع پیمایشی است، نظرات ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در ارتباط با ملاکهای همسرگزینی مورد بررسی قرار گرفته است. روش نمونه گیری پژوهش از نوع تصادفی طبقه ای بوده و یافته های این مطالعه حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر در مورد معیارهای ازدواج تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد. دانشجویان پسر به ملاکهای زیست شناختی ازدواج (سلامت جسمانی، زیبایی، جذابیت ظاهری، سن) اهمیت بیشتری داده اند. در حالی که برای دانشجویان دختر معیارهای اجتماعی (رضایت والدین طرفین، تناسب سطح تحصیلات دختر و پسر، مشترک بودن مذهب، زبان و فرهنگ طرفین) و معیارهای روانشناختی (متناسب بودن رفتار همسر، قدرت تصمیم گیری و انعطاف پذیری، عدم وجود اختلال روانی در همسر و خانواده او، عشق و علاقه طرفین نسبت به یکدیگر و شناخت طرفین از یکدیگر پیش از ازدواج) در انتخاب همسر بیشترین اهمیت را داشته است (یزدانی، ۱۳۸۰).

در بررسی معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی گناباد در یک پژوهش توصیفی (مقطعی) که بر روی یک نمونه ۲۰۶ نفری (در محدوده سنی ۱۸-۲۸ سال) انجام گرفت ۵۰/۹ درصد از نمونه ها، تناسب سطح تحصیلات زوجین و ۵۲/۰ تقید به مسائل مذهبی را برای همسر خود ضروری دانسته اند و این در حالی است که ۹۰/۶ درصد از نمونه ها به تناسب فرهنگی - مذهبی در خانواده اهمیت بیشتری داده اند. به طور کلی مهمترین معیارهای انتخاب همسر از نظر دانشجویان به ترتیب عوامی فرهنگی - مذهبی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی خانوادگی و عوامل اقتصادی (۰/۵) بوده است و این گونه ای است که عوامل اقتصادی از مشکلات عمده برای اقدام به ازدواج معرفی می گردد. به نظر می رسد که نگرش و اعتقادات فردی در هنگام ازدواج تحت تاثیر عوامل فرهنگی و سنتی تغییر می نماید (منصوریان و خسروان، ۱۳۸۳). در پژوهشی که توسط **صداقت (۱۳۸۵)** تحت عنوان بررسی معیارهای انتخاب همسر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم آذربایجان انجام شد، نتایج حاکی از آن است که اولویت های انتخاب همسر بر اساس



# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

جنسیت متفاوت است، به طوری که برای پسران ملاک هایی چون تطابق عاطفی و هیجانی، جاذبه جنسی، وفاداری، زیبایی چهره، اصالت خانوادگی، پاکدامنی، هوش، رعایت پوشش در اولویت قرار دارد و در دختران ملاک هایی چون شغل همسر، حس مسئولیت، مدرک تحصیلی همسر، استقلال فکری و مالی، احترام به حقوق یکدیگر، حس همکاری و تعاون، طبقه اجتماعی و اقتصادی و فعال و پر تلاش بودن در اولویت قرار دارد و همچنین **اکرمیان (۱۳۸۹)** پژوهشی در ارتباط با مقایسه ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی در افراد با میزان بالا و پایین خودمتمایزسازی در کاشان انجام داده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا، ملاکهای فرآیندی و افراد با خودمتمایزسازی پایین، ملاکهای محتوایی را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که مردان و زنان در ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی متفاوتند. زنان بیشتر از مردان، هم به ملاکهای محتوایی و هم به ملاکهای فرآیندی در انتخاب همسر توجه دارند.

و همچنین **حمیدی (۱۳۸۶)** نشان داد که دانشجویان متاهل دارای سبکهای دلبستگی ایمن از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و برعکس دانشجویانی که از سبکهای دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند، میزان رضایتمندی آنان نیز به طور معنادار کم می‌باشد.

**فرونشانی، امانی پور و محمودی (۱۳۸۸)** در پژوهشی با عنوان رابطه سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض با رضایتمندی زناشویی زنان به این نتیجه رسیدند که سبک دلبستگی ایمن با رضایت مندی زناشویی، رابطه مثبت و سبک مضطرب/دوسوگرا با رضایت مندی زناشویی رابطه منفی دارد.

## روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی است. در این پژوهش، محقق به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال بود که « آیا بین متغیرهای سبکهای دلبستگی با ملاکهای همسرگزینی رابطه وجود دارد؟ »

## جامعه، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این پژوهش عبارت اند از کلیه ی دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد کرمانشاه که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ به تحصیل مشغول بودند. برای انتخاب نمونه در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. به این صورت که از بین دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد کرمانشاه که ۸۲۰ نفر بودند، ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند.

## ابزار پژوهش

داده های این پژوهش از طریق اجرای دو آزمون گردآوری شد:

**پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی:** پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی، مشتمل بر ۲۲ عبارت (ملاک) است که توسط رفاهی (۱۳۸۷) در ایران تهیه شده و روش پاسخدهی به آن به صورت لیکرت است و دو بعد فرآیندی و محتوایی را در انتخاب همسر بررسی می‌نماید. اعتبار پرسشنامه به روش محاسبه‌ی آلفای کرانباخ  $\alpha = 0.87$  محاسبه گردیده که نشانه اعتبار بالای پرسشنامه است و همچنین روایی سازه پرسشنامه در کل ۰.۷۵ عامل محتوایی و فرآیندی است که ۷۵ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند و حاکی از روایی قابل قبول پرسشنامه است.

**روش نمره گذاری:** پرسشنامه ملاکهای همسرگزینی، یک پرسشنامه ۲۲ سؤالی به صورت لیکرت (۵ درجه ای) است که ۹ سؤال آن فرآیندی (۱-۹-۱۱-۱۲-۱۳-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲) و ۱۳ سؤال آن محتوایی (۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۲۱) است. گزینه‌های این پرسشنامه به صورت لیکرت از بدون اهمیت تا بسیارمهم متغیر است که به گزینه‌ی بی‌اهمیت نمره ۱ و به گزینه بسیار مهم نمره ۵ تعلق می‌گیرد و همه سؤالاها به صورت مستقیم نمره گذاری می‌شوند. نمره کل فرآیندی و محتوایی، از مجموع نمرات به دست آمده از نمرات سؤالهای فرآیندی و محتوایی به صورت مجزا به دست می‌آید.





# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

**پرسشنامه سبکهای دلبستگی هازن و شیور<sup>10</sup>:** برای اندازه گیری سبکهای دلبستگی از مقیاس دلبستگی بزرگسال استفاده شد. مقیاس دلبستگی بزرگسال که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و توسط بشارت در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، متوسط-۳، زیاد-۴، خیلی زیاد-۵) می سنجد. سؤالهای مربوط به سبک اجتنابی ۱-۲-۳-۴-۵؛ سبک ایمن ۶-۷-۸-۹-۱۰ و سبک دوسوگرا ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ می باشد. کم ترین و بیشترین نمره‌ی آزمودنی در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود.

**پایایی:** پایایی ضریب آلفای کرونباخ پرسش های زیر مقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است.

**روایی محتوایی:** مقیاس دلبستگی بزرگسال یا سنجش ضرایب دلبستگی بین نمره های ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس های مشکلات بن شخصی و عزت نفس کوپر اسمیت در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی ها در سبک دلبستگی ایمن و زیر مقیاس های مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنی دار و با زیر مقیاس های عزت نفس همبستگی منفی و اما غیر معنی دار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد.

## روش تجزیه و تحلیل دادهها

در این پژوهش، جهت تجزیه و تحلیل دادهها از روشهای آمار توصیفی (جدول میانگین، انحراف استاندارد و ترسیم نمودارها به منظور عینی تر شدن نتایج به دست آمده) و همچنین به منظور پاسخگویی به سوالها و فرضیههای پژوهش از روشهای آمار استنباطی (همبستگی) استفاده شد.

یافته های پژوهش

## شاخص های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

در جدول ۱، شاخص های توصیفی شامل فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات ملاکهای همسر گزینی در دانشجویان دختر آورده شده است.

جدول ۱، شاخص های توصیفی متغیر ملاکهای همسر گزینی در دانشجویان دختر

شاخص های توصیفی					شاخص ها
بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	متغیرها
۶۵.۰۰	۳۴.۰۰	۵.۱۳	۵۳.۵۴	۳۰۰	ملاکهای محتوایی همسر گزینی
۴۵.۰۰	۱.۰۰	۹.۶۲	۳۹.۵۴	۳۰۰	ملاکهای فرایندی همسر گزینی
۱۱۰.۰۰	۱.۰۰	۲۱.۱۵	۹۰.۸۴	۳۰۰	ملاکهای همسر گزینی

# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

با توجه به مندرجات جدول فوق مشاهده می کنیم که میانگین ملاک های محتوایی همسرگزینی (۵۳.۵۴) بیش از میانگین ملاک های فرآیندی همسرگزینی (۳۹.۵۴) در دانشجویان دختر می باشد. همچنین میانگین ملاک های همسرگزینی نیز در کل ۹۰.۸۴ می باشد. در جدول ۲، نیز شاخص های توصیفی شامل فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات سبک های دلبستگی در دانشجویان دختر آورده شده است.

جدول ۲، شاخص های توصیفی متغیر سبک های دلبستگی در دانشجویان دختر

شاخص های توصیفی					شاخص ها
تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	متغیرها
۳۰۰	۱۲.۳۷	۳.۴۷	۵.۰۰	۲۰.۰۰	سبک دلبستگی اجتنابی
۳۰۰	۱۵.۳۸	۲.۵۹	۱۰.۰۰	۲۰.۰۰	سبک دلبستگی ایمن
۳۰۰	۱۳.۵۹	۳.۲۱	۶.۰۰	۲۲.۰۰	سبک دلبستگی دوسوگرا

با توجه به مندرجات جدول ۲، مشاهده می کنیم که میانگین نمرات سبک دلبستگی ایمن در دانشجویان دختر (۱۵.۳۸) بیش از سبک دلبستگی اجتنابی (۱۲.۳۷) و دوسوگرا (۱۳.۵۹) می باشد.

## سؤال اول: آیا بین سبک های دلبستگی و ملاک های همسرگزینی دختران رابطه معنادار وجود دارد؟

جدول ۳، رابطه بین سبک های دلبستگی و ملاک های همسرگزینی دختران

ملاک همسرگزینی	ملاک فرآیندی	ملاک محتوایی	شاخص ها	
۰.۰۸	۰.۰۳	۰.۲۳**	سبک دلبستگی	همبستگی
۰.۱۹۱	۰.۵۴۵	۰.۰۰۱	ایمن	سطح معناداری
۰.۱۴*	۰.۱۶**	۰.۰۵	سبک دلبستگی	همبستگی
۰.۰۱۹	۰.۰۰۵	۰.۴۳۴	اجتنابی	سطح معناداری
۰.۲۲**	۰.۲۱**	۰.۱۶**	سبک دلبستگی	همبستگی
۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۴	دوسوگرا	سطح معناداری

\*\* همبستگی در سطح ۰.۰۱ معنادار است (۲ دامنه).

\* همبستگی در سطح ۰.۰۵ معنادار است (۲ دامنه).

بر اساس جدول ۳، همانطور که مشاهده می کنیم؛

بین سبک دلبستگی ایمن و ملاک محتوایی (با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۱)، بین سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک فرآیندی (با توجه به سطح معناداری ۰.۰۰۵)، بین سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک محتوایی (با سطح معناداری ۰.۰۰۴) و سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک فرآیندی (با سطح معناداری ۰.۰۰۱) که همگی کمتر از ۰.۰۰۵ می باشند، بنابراین فرض صفر رد و با ۹۹٪ اطمینان بین آنها رابطه معنادار در جهت معکوس وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک همسرگزینی نیز با توجه به سطح معناداری (۰.۰۱۹) که کمتر از ۰.۰۰۵ می باشد، فرض صفر رد می شود و با ۹۵٪ اطمینان بین سبک دلبستگی اجتنابی و ملاک همسرگزینی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. بین بقیه موارد نیز معناداری آماری مشاهده نشد.



# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

بحث

همانطور که نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن و ملاک محتوایی، بین سبک دلبستگی اجتنابی با ملاک فرآیندی، بین سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک محتوایی و سبک دلبستگی دوسوگرا با ملاک فرآیندی رابطه معنادار در جهت معکوس وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی و ملاک همسرگزینی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

در این پژوهش افراد دارای سبک های دلبستگی ایمن، ملاکهای فرآیندی را بیشتر مورد توجه قرار داده اند و افراد دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی، ملاک های فرآیندی را کمتر مورد توجه قرار داده اند و سبک اجتنابی با ملاکهای همسرگزینی به طور کلی رابطه معنادار معکوس دارد.

بنابر بررسی های صورت گرفته توسط محقق مطالعه ای که به صورت مستقیم به بررسی این فرضیه پرداخته باشد یافت نشد. این یافته ها با پژوهش اکرمیان (۱۳۸۹) تقریباً همسو است. وی پژوهشی در ارتباط با مقایسه ملاکهای محتوایی و فرآیندی همسرگزینی در افراد با میزان بالا و پایین خودمتمایزسازی در کاشان انجام داده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا، ملاکهای فرآیندی و افراد با خودمتمایزسازی پایین، ملاکهای محتوایی را مورد توجه قرار داده‌اند. در این پژوهش نیز افراد دارای سبک های دلبستگی ایمن، ملاکهای فرآیندی را بیشتر مورد توجه قرار داده اند و افراد دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی، ملاکهای محتوایی را بیشتر مورد توجه قرار داده اند. معیارهای همسرگزینی، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگیهایی هستند که از یک همسر بالقوه مطالبه می شوند. این ادراکات در انتخاب همسر تحت تاثیر ویژگی هایی است که در افراد مختلف، متفاوت است (باس، ۲۰۰۴).

از آنجایی که ملاکهای محتوایی همسرگزینی، شامل خصوصیتی است که فرد به همراه دارد، مانند ویژگیهای روانشناختی فردی و خانوادگی (سن، تحصیلات، شغل و درآمد)، سلامت جسمانی، قومیت و مذهب. و ملاکهای فرآیندی، مجموعه کنش هایی هستند که موجب سازمان دهی نظام خانواده می شوند. کنش هایی از قبیل درک دیدگاه طرف مقابل، مهارتهای ارتباطی، مهارتهای حل مسئله، انعطاف پذیری، قاطعیت. به نظر می رسد که در جریان ازدواج، نشانه های محتوایی به عنوان عامل آغازگر زندگی زناشویی و نشانه های فرآیندی به عنوان نگهدارنده و محافظت کننده های زندگی زناشویی باید مورد توجه قرار گیرد. منطقی است که بین باور به ملاک های فرآیندی و سلامت روانی فرد رابطه مستقیم و مثبتی وجود داشته باشد (رفاهی، ۱۳۸۷). و افراد دارای سبک دلبستگی ایمن توانایی برقراری ارتباط سالم با دیگران را دارند و در روابط خود از خودمتمایزسازی بهنجاری برخوردارند و هر دو این ویژگی های روانشناختی (سبک دلبستگی ایمن و خودمتمایزسازی بالا) از مولفه های سلامت روان محسوب می شوند، در نتیجه می توان انتظار داشت که افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند قادر به درک ملاکهای فرآیندی همسرگزینی هستند و این ملاک ها که دوام روابط زناشویی را تضمین می کند را بیشتر مورد توجه قرار دهند. بنابراین این موضوع که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در انتخاب همسر آینده خود بیشتر به ملاکهای فرآیندی توجه نمایند، دور از ذهن نیست.

از طرفی همانطور که در داده های توصیفی نشان داده شد دختران ملاکهای محتوایی را بیشتر از ملاکهای فرآیندی در نظر گرفته اند، بنابراین یافته های این پژوهش با نتایج رفاهی همسو است. رفاهی (۱۳۸۷)، در پژوهشی به بررسی تفاوت زنان و مردان در ملاکهای همسرگزینی پرداخت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که زنان بیشتر از مردان به ملاکهای محتوایی همسرگزینی توجه دارند. پیشنهاد می شود که در مشاوره های قبل از ازدواج یافته های این پژوهش مورد توجه قرار گیرد و سبک های دلبستگی زوجین مورد بررسی قرار گیرد و همچنین پژوهشهایی در زمینه رابطه سبک های دلبستگی با نگرش به ازدواج در دختران و پسران صورت گیرد.

## منابع فارسی

اکرمیان، فهیمه. (۱۳۸۹). مقایسه ملاک های همسرگزینی در افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا و پایین در کاشان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.  
حسینی، سیدمهدی. (۱۳۷۷). مشاوره ازدواج و خانواده. تهران: انتشارات آوای نور.  
حسینی بیرجندی، مهدی. (۱۳۸۴). مشاوره قبل از ازدواج. تهران: انتشارات آوای نور.





# کاربرد مشاوره در ارتقای کیفیت زندگی

رفاهی، زهره. (۱۳۸۷). ارائه مدلی جهت ارزیابی خانواده بر مبنای ملاک های همسرگزینی و رابطه این ملاک ها با عملکرد خانواده. رساله دکتری در رشته مشاوره. دانشگاه علو تحقیقات واحد تهران مرکز.

عابدی، داریوش و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. تهران: طب و ترکیه، نمایه، شماره ۳۹.

غلامی، لیلا. (۱۳۸۶). مقایسه معیارهای همسرگزینی در بین دختران و پسران زیر بیست سال (۱۷ تا ۲۰ سال) و نام کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

گلادینگ، سامانول. (بی تا). خانواده درمانی. ترجمه فرشاد بهاری و همکاران. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات ترکیه.

مرادی پور، مهدیه. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر تغییر نحوه نگرش دختران به انتخاب ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

## منابع انگلیسی

- Bowlby, J. (1989). *Attachment and loss*. loss (vol. III). New York: Basic Books.
- Buss, D. M. (1999). The strategies of human mating. *American scientist*, 82, 238-246.
- Buss, D.M. (2006). Sexual selection and human mating strategies. *Journal of science*, 312, 690-691.
- Kardatzke, K.N. (2009). *Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students*. unpublished doctoral dissertation. Green sboro, university.
- Shackelford, T. K., & Schmitt, D.P., & Buss, D.M. (2005). Universal dimensions of human mate preferences. *Available of science direct*. PP. 447-458.
- Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, Ch & Liversidge, T. (2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and individual differences*. 44(2008) 1246-1257.





This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.